

«مهمونی کامی» و تلاش برای حذف تصویر جوانان از سینمای ایران

ندیده ها و نداشته ها

چاپ شده در : روزنامه اعتماد

زمان انتشار : بهمن ماه ۱۳۹۱

عنوان ستون ثابت نگارنده در روزنامه "اعتماد" در ایام جشنواره سی و یکم فجر، "ندیده ها و نداشته ها" بود.

*

*

زمانی مشکلات نگرش نظارتی با تصویری بود که از برخی اقشار و طیف های جامعه به روی پرده سینما راه می یافت. یعنی بحث بر سر این بود که مثلاً چرا جوانان راه، معلمان راه، جامعه پزشکی را یا خانواده های سنتی و مذهبی را این طور یا آن طور در فیلم تان به تصویر کشیده اید؛ و این خود راه می برد به زمینه ای ترین مباحث مربوط به درام و تعمیم پذیری زیست و فردیت شخصیت های آن و این که آیا فیلم مورد بحث دوستان دارد زندگی و مورد به خصوص یک فرد و یک خانواده را مطرح می کند یا واقعاً جنبه و خصلت قابل تعمیم اجتماعی دارد؟

اما به تازگی دیگر مجموع رودربایستی هایی که اگر نه در نوع برداشت، بلکه دست کم در نوع بیان و برخوردهای سلبی نگاه رسمی جریان داشت، به کلی کنار نهاده شده و دوستان مان از این که به صراحت سینمای ایران را به تصاویر قالبی و مشخصی از اقشاری ظاهرالصلاح، محدود و منحصر کنند، هیچ ابایی ندارند. حالا دیگر زیاد مهم نیست فیلم ها «چه تصویری» از برخی اقشار و طیف ها ارائه می دهند و برای این کار، تا چه میزان بر معادل ها و ما به ازاهای واقعی متکی هستند. مهم این است که نگرش رسمی نمی خواهد از برخی طیف ها و مناسبات عینی شان به طور کلی تصویری به پرده سینما راه پیدا کند .

امروز و فردا در این ستون که به آن چه سی و یکمین جشنواره فیلم فجر ندارد و در آن نخواهیم دید، می پردازد، به دو فیلم قابل اعتنا از محصولات اخیر و امسال این سینما اشاره می کنم تا روشن شود که فقط جشنواره نمی خواهد تصاویری اندکی دورتر و عینی تر و واقع بینانه تر از اقشار بسیار پر شمار جامعه

و روابط جاری در این دوران ببیند؛ و گر نه سینمای ایران هم توان و هم جسارت پردازش آن را دارد. «مهمونی کامی» ساخته علی احمدزاده فیلمی با اجرای بسیار واقع نما و باورپذیر از مناسبات انبوه جوانان عادی طبقه متوسط و بالاتر همین امروز تهران است که سینما و مدیریت فرهنگی ما همچون نگرش و چارچوب های انتظامی، هرگز نخواستہ حضور آنها را به رسمیت بشناسد یا حتی زیست جاری و مناسبات شان را حق طبیعی آنها بداند. این که فیلم در برش بدون فرجام دراماتیکی که از موقعیت های اشخاص داستان ارائه می دهد، می توانست جور دیگری عمل کند یا برخی مکث های فیلم بین موقعیت های رفت و برگشتی بین دو ماشین اصلی مسیر شمال به لواسان گاه طولانی است و برای یک ماشین خیلی بیشتر وقت می گذارد، جزئیاتی است که در مباحث انتقادی تنها بعد از وقوع امکان نمایش آن قابل طرح خواهد بود.

در این مرحله، همین که باند صوتی فیلم برای هر جوان همین طبقه و در دل زندگی اش - از جمله همین ها که دلواپس سینمای ایران اند و صف های جشنواره را هر سال پررونق می کنند - سرشار از نغمه های آشناست، نشان می دهد که به طور معمول تا چه حد از ثبت و بازتاب تصاویر این گروه مهم و حیاتی جامعه و زمانه مان، در سینما غافل بوده ایم و حالا که یک بار جسارت و جزئیات پردازی ثبت و پرداخت آنها پیش آمده، محافظه کاری های مدیریتی نمی گذارد انبوه جوانان پیگیر این سینما، تصویر معادلات جاری و عادی زندگی و مسافرت ها و همنشینی های خود را بر پرده ببینند و به دید تازه ای برسند.